

ایران : حقوق بشر و خطاهای فرهنگی

علی انصاری

در 14 مارس احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران، گزارش خود را درباره وضعیت خطرناک حقوق بشر ایران به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه کرد. جای تعجب نیست، این قضیه نارضایتی گسترده مقامات ایرانی که به شهید اجازه بازدید از این کشور را داده بودند را برانگیخت. با این وجود، علیرغم آنچه ضمن مذاکرات هسته ای توافق شده بود، انتقادات تندی درباره شهید شد که بیشتر حملات شخصی به او و درباره صلاحیت و شخصیتش بود. حتی یکی از نمایندگان مجلس ایران تا آنجا پیش رفت که ادعا کرد کاملاً واضح است که شهید عامل موساد/ سیا بوده.¹ به همین ترتیب، تصمیم کاترین اشتون برای دیدار با فعالان ایرانی در دیدار اخیر خود از ایران مایه استهزای مقامات ایرانی شد. متعاقب این حرکت، علی اکبر ولایتی² که یک دوره وزیر امور خارجه بوده و در حال حاضر مشاور رهبر جمهوری اسلامی در امور بین الملل پارلمان اروپا است اعتراضات پارلمان اروپا بخاطر برای ادامه نقض حقوق بشر را «بی ارزش» خواند و همچنین جواد ظریف، وزیر امور خارجه فعلی ایران، اظهار کرد که پارلمان اروپا در «شأن و جایگاه اخلاقی نیست» که بتواند در رابطه با وضعیت حقوق بشر سایر کشورها اعلام نظر کند.³

از مدت ها قبل مقامات ایرانی به انتقاد درباره حقوق بشر حساس بوده اند و مرتباً مقامات غربی، و به دنبال آن جامعه بین المللی را بخاطر داشتن معیار های دوگانه در مسئله حقوق بشر ایران متهم کرده اند. در همین راستا، مقامات جمهوری اسلامی رویکرد مشابهی با نظام سلطنتی که سرنگون کردند، در پیش می گیرند. در حالی که به راحتی انتقادات غربی از نقض حقوق بشر شاه را نادیده می گیرند و به جای آن بر همدستی غرب در استبداد شاه اصرار دارند.⁴ در واقع، تمرکز گفت و گو منحصراً موضوعات داخلی است، نه مسائل بین المللی، و بر هیپوکراسی بین المللی جهانی تاکید دارند و نه بر بی عدالتی های داخلی. به این وسیله، می توان توپ را به زمین کشورهای غربی، که در حال حاضر قادر به اعمال قدرت در صحنه های بین المللی هستند، انداخت و نتیجه دلخواه گرفت.

در کانون این تفکرات «ایران» تبدیل به قربانی بی عدالتی نظم بین المللی می شود، در حالی که «ایرانیان» خودشان به طور موثری به حاشیه بحث رانده می شوند. بنابراین، وقتی ظریف، وزیر امور خارجه توضیح داد که ایرانیان صد سال علیه «استبداد» مبارزه کرده اند، (و می گوید این آزادی خواهی در گوشت و خون ماست) منظورش حفاظت از استقلال و «آزادی» در نظام بین المللی بود، نه تمرکز بر واقعیت استبداد در داخل کشور.⁵ به همین ترتیب، هدف انقلاب اسلامی اصلاً مبارزه با خود شاه نبوده، بلکه مقابله با نظم هیپوکراتیک بین المللی بوده که از او را بر سرکار نگه می داشته است. اینکه دولت و نمایندگان (انتصابی) اش- از حقوق بهره مند می شوند و نه مردمی که دولت برای آنها تشکیل شده یک وارونگی عجیب در بحث حقوقی است. مردمی حتی اگر حقوقشان به رسمیت شناخته شود، برحسب منافع بدنه سیاسی طبقه بندی و به آنها داده می شود. بعضی از شعارهای میهن پرستانه بیگانه ستیز، چنین تفاوت هایی را حفظ و ابقا می کند. بنابراین ایرانی ها ناگهان در یک معاهده بین المللی مدعی «حق مسلم شان» کشورشان برای غنی سازی اورانیوم می شوند که تاکید مقامات ایرانی بر این است که ایران جزء اولین امضا کنندگان بوده است. با این حال، آنها یا نمی دانند - یا نمی خواهند بگویند- که ایران در واقع نه تنها جزء کشورهایایی که در حمایت از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال 1948 رای داده اند نیست، بلکه در میان چند کشوری که کمیسیون را شکل دادند هم نبود.

البته یک عبارت مکرراً از مقامات ایرانی شنیده است که گفتمان حقوق بشر یک مفهوم نوپای غربی است که به کشورهایایی که با قوانین فرهنگی غرب اشتراکات چندانی ندارند مربوط نمی شود. تلاش برای تحمیل این ارزش ها در بهترین حالت می تواند به چشم تلاشی مذبحخانه برای نزدیک شدن و شناخت شرقی ها دیده شود و در بدترین حالت به صورت یک امپریالیسم فرهنگی. با این وجود، وقتی که مقامات ایرانی با شدت و حدت از حقوق ایران به مثابه یک دولت و بویژه درباره «حق مسلم» ایران بحث می کنند، نشان می دهد که رویکرد آنها به این گفتمان انتخابی است، به طوری که وقتی می خواهند از غرب انتقاد کنند، آنجا که ایده هایشان مناسب استفاده است آن را برمی گزینند و هر جا که به ضررشان باشد آن را کنار می گذارند. به علاوه، این موضوع بر این واقعیت تاکید دارد که چنین ایده هایی از منظر آنها بیگانه نیست، بطوری که گاهی اوقات ممکن است به آن استدلال کنند.

البته مفهوم حق و تعریف آن به عنوان حق مسلم و یا حق طبیعی برای همگان، محصول یک تفکر روشنفکرانه (رادیکال) است که در قرن هجده نگرش اروپا را به دولت و جامعه تغییر داد. بر اساس یک سنت انسان‌گرای جهان‌وطنی (که اغلب ریشه در شرق دارد)، متفکران اروپایی روابط سیاسی را با محوریت افراد «شهروند» بازتعریف کردند.

شهروندان در یک قرارداد اجتماعی مشارکت می‌جستند که در آن تکالیف و تعهداتی بر عهده می‌گرفتند و در ازای آن حقوق خاصی برایشان در نظر گرفته می‌شد که از کرامت آنها و مهمتر از همه آزادی‌شان در برابر قدرت دولت پاسداری می‌کرد. (چنین کلامی حتی اگر اشتباه به کار رود، واضحاً همان چیزی نیست که مقامات ایرانی از جمله ظریف بکار می‌برند). ایده‌هایی مثل شفافیت و حاکمیت قانون، حقوق فردی و محدودیت‌های قانون اساسی در حیطه قدرت دولت، در قرن 19 به ایران رسید و در سال 1906 در دوران انقلاب مشروطه تبدیل به یک واقعیت سیاسی شد.

این طرح روشنگری توسط روشنفکران و بزرگ ایرانی دنبال شد تا به شکل قانون اساسی درآید و به اساتید آموزش دهند. تحقق این وظیفه و پیروزی‌های کوتاه مدتی که بدست آوردند، بلندپروازی‌های خطرناکی بود که احتمالاً در عمل محکوم به شکست بود. با این حال در آشنا کردن فرهنگ سیاسی ایران با این ایده‌های رادیکال تا حد زیادی موفق بود، زیرا روشنفکران ایرانی را به فکر پیوند دادن این ایده‌ها و سنت‌های ایرانی انداخت. یکی از این مفاهیم «حق» بود، بطور خاص یک کتاب روشنگرانه در 1907 به منظور آموزش دادن نمایندگان جدیدالورود مجلس با در نظر داشتن حقوق و وظایف دولت، نقش مجلس، و احتمالاً گوشه‌چشمی به وظایف شهروندان نوشته شد. این کتاب به بحث درباره آن می‌پرداخت که حقوق می‌تواند گستره‌ای از آزادی‌ها را در برگیرد (حق حیات، حق مالکیت، حق برخورداری از مسکن، حق اشتغال، حق ابراز عقیده، حق آزادی فکر و بیان، حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز و تشکل‌ها، حق تحصیل، حق اعتراض و واخواهی) و برابری به آن معنا که همه در برابر قانون، مالیات و استخدام و دادگاه با هم برابرند.⁶ با توجه به تجربه تاریخی و میراث اساطیری روشن روشنفکران درباره تأثیرات خوب داشتن ریشه‌های تاریخی برای این ایده‌ها بودند تا بتوانند دوباره همان مفاهیم را در دوره معاصر بازتعریف کنند. موضوع اصلی در این رابطه آن بود که آزادی و روشنگری - حرکت از دوران تاریکی به نور در مفهوم اجتماعی و سیاسی - با توجه به موتیف‌هایی که برای ایرانیان بنخاطر پیشینه اساطیری شان آشنا بود، به اشتباه تأکید بر «قرارداد» طبیعی و ذاتی بین فرمانروایان و مردم در مفاهیم غربی را به شکل «حکومت مطلقه شرقی» بازنمایی می‌کرد.

متأسفانه، این ایده‌ها ناگزیر در فرهنگ سیاسی ایران بصورتی نهادینه شدند و بطور متوالی عبارات مختلفی بر حق دولت و ملت تأکید کرد - و حقوق شان را تفسیر و تبیین می‌کرد - بیشتر از آن که به یک چارچوب قانونی منسجم برای شهروندان در مقابل دولت مشخص کند. اما این به آن معنی نیست که این ایده‌ها بیگانه باقی ماندند یا از فرهنگ سیاسی حذف شدند، تلاش برای بدست آوردن حقوق همواره در خط مقدم قیام‌ها و جنبش‌های سیاسی در طول قرن بیستم بوده است - و اغلب از انقلاب مشروطه الهام می‌گرفتند. به این ترتیب انقلاب اسلامی به نوبه خود تلاشی برای برقراری حکومت قانون بود، هرچند مردم خیلی زود فهمیدند که حقوق شان با حقوق «خدا»، که نمایندگان بر زمین آن را مشخص می‌کردند، در تعارض است. جنبش اصلاحاتی که 1376 محمد خاتمی در دوران ریاست جمهوری اش به راه انداخت، نظریه «جامعه مدنی» را پیاده می‌کرد. روحانی نیز آراء چشمگیرش را در تیر ماه 92 بر پایه «سیاست تنش زدایی» و «نهادینه کردن حقوق شهروندی»، که در قانون اساسی محترم بوده اما مدت‌ها نادیده گرفته می‌شد، به دست آورد.

این که پیام او مانند یک آهنگ در بین مردم پخش شد این را به ذهن می‌آورد که اگر این ایده‌ها بیگانه یا ناکارآمد بودند، این گونه در آگاهی جمعی حفظ نمی‌شدند. مقاومت در برابر استقرار دیکتاتوری شدید نیز در واکنش به این ایده‌ها آشکار است. اهمیت «منشور حقوق شهروندی»⁷ که روحانی به آن پرداخته، کمتر از این مسائل نیست. این منشور در داخل و خارج ایران امیدهای زیادی را ایجاد کرده است. اما حقوق مندرج در این سند، خشم بسیاری از حقوقدانان و وکلای برانگیخته است، سند چنان غیردقیق و معطوف به نظر و حکم مقام معظم رهبری نوشته شده که به سختی می‌توان آن را حقوق طبیعی یا ذاتی تلقی کرد. بطور خلاصه، این چیزی نیست که از کلمه «حقوق» می‌شود فهمید، و قطعاً آن چیزی نیست که دولت توان اجرای آن را داشته باشد. همانطور که حقوقدانان کشور اذعان می‌کنند تنها ایجاد یک مفهوم حقوقی تأثیری ندارد، بلکه باید در حوزه فرهنگی شکل بگیرد. با این حال استمرار این ایده‌ها باعث خوش بینی است، به ویژه وقتی در نظر بگیرید که دولت‌های ایرانی مکرراً تجربیات تاریخی و فرهنگی خودشان را دنبال کرده‌اند. «منشور» روحانی اشاره مستقیمی

یه منشور قدیمی تر دارد که نشان دهنده پیشرفت ایرانیان در زمان خودش است. منشور کورش، که به شکل استوانه ای توسط کورش تهیه شده، شاید چیزی شبیه یک مگنا کارتای ایرانی- که به شکل اسطوره ای در رابطه با نفی بردگی، آزادی و حقوق فردی می پردازد. چندان موضوع بزرگی نیست این که تاریخ ممکن است تا حال دامنه دار باشد، اما واقعیت این است که طرز فکر کورش در انقلاب اسلامی زنده است، نیرو می گیرد، و این نشانه ای از آن چیزی است که هنوز در بدنه سیاسی ایران وجود دارد. کورش هیچ ربطی به «غرب» ندارد.

گفتمان حاضر در حقوق بدون شک ریشه در عصر روشنگری در اروپا دارد، اما ایده آن نه خارجی است و نه با تجربه جهانی ایران بیگانه. فعالان سیاسی در گذشته این را فهمیدند و به رسمیت شناختند که برای ریشه دواندن ایده ها باید آنها را در زمین کاشت. دولت های قبلی، که نگران قدرت خود بودند در مقابل این رشد مقاومت کرده اند. فرض غلط آن که نهادینه شدن حقوق قدرت آنها را کاهش می دهد و ملت را در مقابل آنها قرار خواهد داد. اما پیگیری این ایده ها نشان می دهد که آنها از طنین فرهنگی با انعکاس قوی در ادبیات و فرهنگ ایران لذت می برند.

به قول سعدی شاعر ایرانی قرن سیزده رهبران جهان به این واقعیت رسیده اند که "بنی آدم اعضای یک پیکرند/ باشد، که در آفرینش ز یک گوهرند"، آنها به دنبال ایجاد روابط بهتری با دشمنان همیشگی هستند، آنها شعر سعدی را مجسم می کنند که «چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار// تو کز محنت دیگران بی غمی / نشاید که نامت نهند آدمی»

این شعر سر در ورودی ساختمان سازمان ملل در نیویورک را زینت داده؛ هدیه ای از ایرانیان به این سازمان جدید بین المللی که ایران از اعضای مؤسس آن بود. نکته ای که خوب است به یاد داشته باشیم.

بی نوشت

FARS News Agency, Senior Lawmaker Describes Ahmed Shaheed as CIA, Mossad Agent, March 2014, <http://english.farsnews.com/newstext.aspx?nn=13930109000550>

Press TV, EP resolution has no value to Iran: Velayati, April 2014, <http://www.presstv.ir/detail/2014/04/07/357511/iran-sees-no-value-in-ep-resolution>

Tasnim News Agency, Zarif Questions EP's Legitimacy to Preach on Human Rights, April 2014, <http://www.tasnimnews.com/English/Home/Single/329722>

Seyed Hossein Mousavian, Opinion: We need an Iran-US human rights dialogue, Asharq Al-Awsat, April 2014, <http://www.aawsat.net/2014/04/article55330822>

, Scot Lucas, Iran Video: Foreign Minister Zarif's YouTube Address on Eve of Nuclear Talks, EA Worldview, November 2013

[/http://eaworldview.com/2013/11/iran-video-foreign-minister-zarifs-youtube-address-eve-nuclear-talks](http://eaworldview.com/2013/11/iran-video-foreign-minister-zarifs-youtube-address-eve-nuclear-talks)

Mohammad Ali Foroughi Hoquq-e asasi: yaadab-e mashrutiyat-e doval (Fundamental Laws or the rules of Constitutionalism of States) (Tehran: 1325/6 (lunar) / 1907/8), reprinted in Afshar and Homayunpur (eds.), Siyasatnameh-ye Zoka' al-Molk, , maqalehha, namehha, vasokhanraniha-ye siyasi-ye Mohammad Ali Foroughi (The Book of Politics of ZokaolMolk, the political articles, letters and speeches of Mohammad Ali Foroughi) (Tehran: Ketab-e Rowshan, 2010).pp. 5-62

ISNA, 'Mamoriatraisjomhur be moavenathoqoqijahattaheyemanshorhoqoqsharvandi' ['The President delegates his legal deputy to prepare a charter of citizen's rights'], 22 September 2013

